



نخنجر

نشریه دانشجویی نبض
جامعه رسانه اسلامی دانشگاه صداوسیما

ویژه نامه
عیدانه

۲ شاعرانه ترین دیدار در ماه ماه ۴ قوی ترین مردان آهنین

۱۸ دریچه ی نور این بار از چشم تن

۱۱ محفل آشتی با نور

سخن سردبیر

فاطمه تقوی

کارشناسی روزنامه‌نگاری



شاعرانه‌ترین دیدار در ماه ماه

به نظر من او استاد ارتباطات است
تو را قسم به شاعری بیا ببر خیال را...

یکی از سنت‌های بسیار زیبای ما ایرانی‌ها در نوروز عیددیدنی است. امسال همزمانی عید و ماه رمضان فرصت مناسبی برای عیددیدنی‌هایی که همراه با ضیافت افطار بودند ترتیب داده بود. به خاطر همین مسئله، ششم فروردین‌ماه شب ولادت کریم اهل بیت امام حسن مجتبی (ع) چهل نفر از شاعران به دیدار رهبر معظم انقلاب رفتند. اینکه چرا الان، اینجا در نشریه نبض دانشگاه صداوسیما حرف از یک دیدار عیدانه به صرف افطار به میان آمده شاید عجیب باشد، اما اولین محثی که حضرت آقا در صحبت‌هایشان در دیدار با شاعران بیان کردند مسئله‌ی رسانه بودن شعر بود. ایشان در آغاز با تاکید کردن به نقش رسانه‌ها در دنیای امروز و توان اثرگذاری بسیار بیشتر از سلاح و ادوات جنگی بر روی دشمن، به معرفی شعر به عنوان یک رسانه پرداختند. وقتی متن کامل سخنرانی ایشان در آن شب را می‌خواندم، جوری بود که انگار یک استاد باسابقه‌ی ارتباطات مدل ارتباطی برایم تشریح کرده است، انگار که دارم درس‌هایم را مرور می‌کنم. درست مثل همان ترم اول که الفبای ارتباطات می‌آموختم و یاد می‌گرفتم پیام و فرستنده و گیرنده و... چیست. او خوب ارتباطات را می‌داند و من هم درست مثل همه‌ی نودانشجویان رسیده به دانشگاه، تشنه‌ی شنیدن درس از زبان کسی هستم که کلامش واژه به واژه روح‌بخش است. او بر هنرمندانه بودن شعر تاکید می‌کند چون

هنر و هنرمند را می‌شناسد و معتقد است آنچه از دل برآید حتما بر دل می‌نشیند و تاکید دیگرش در استخدام مضامین و موضوعات است که حواس شاعران باشد، این‌ها باید عمق داشته باشند، باید برای هنر جسم و جان تعریف کنند. درباره‌ی اینکه کودکان و نوجوانان با شعر عجین شوند صحبت می‌کند، حتی به یاد دارد بارها اتفاق افتاده که در برنامه‌های صداوسیما شعرها غلط خوانده شدند. قبل از این درباره‌ی حافظه‌ی ادبی حرف به میان می‌آورد از این می‌گوید که مردم وقتی در موقعیتی قرار می‌گیرند شعرهای خوبی که حفظ کرده‌اند یادشان نمی‌آید، اینجای صحبت را دقیق می‌شوم چون گویی او مرا می‌شناسد، اصلا انگار دارد درمورد خود من حرف می‌زند، انگار می‌داند دبیرستانی که بودم بچه‌ها می‌گفتند «ف» من فردوسی می‌شدم ولی حالا کلی طول می‌کشد تا در لایبای اطلاعات مهم و نامهم ذهنم دنبال تک بیت‌های جذاب صائب بگردم. او وقتی روی مضامین پرمعنا و دوری از موضوعات پوچ تاکید می‌کند یعنی قطعا خبر دارد متون سخیف بعضی از موسیقی‌ها چگونه به عنوان شعر قلمداد می‌شوند. او شعر را علاوه بر اینکه خوب می‌فهمد بسیار خوب هم می‌شناسد و خوب می‌داند درحالی که شاید انتقال معنا بسیار سخت و ناممکن است چطور می‌شود با زبان شعر معنا را هم منتقل کرد. می‌دانستم که عمرش به پای کتاب خواندن گذشته است، می‌دانستم که او رمان‌خوانی حرفه‌ای است، اما اولین بارم بود پای حرف‌هایش از دنیای شعر و شاعری می‌نشستم و باز هم اولین بار بود که شعر را داخل ظرف ارتباطات مزه‌مزه می‌کردم. من حالا به همه‌ی شاعرهای جهان غبطه می‌خورم.

چه حرف‌ها که درونم نگفته می‌ماند/
خوشا به حال شماها که شاعری بلدید

نافر جام بودن رستگاری در جذب مخاطب

نیایش نعمتی

کارشناسی روزنامه نگاری



می دهد! در قسمت اول سریال مخاطب شاهد بحث درباره بهره برداری غیرمجاز آب است که این موضوع حیاتی برای هر جامعه ای حائز اهمیت است. همچنین محتوای سریال به حق الناس و مهم بودن این مسئله در زندگی فردی انسان ها اشاره دارد.

در بخش هایی از سریال نکات اخلاقی و دینی برای بیننده بیان می شود و هشدارهایی نسبت به چگونه زندگی کردن در این دنیا و عواقب آن ذکر می کند که این قضیه برای گروه سنی بزرگسالان می تواند پندآموز باشد اما کودکان که درک زیادی از دنیای پس از مرگ ندارند دیدن بخش هایی از این سریال ممکن است باعث شود دچار وحشت یا باور غلط نسبت به مرگ و جهان آن سویی شوند؛ به این دلیل محدودیت سنی برای این سریال در نظر گرفته شده و شرایط تماشا برای آن افراد زیر ۱۳ سال فراهم نیست. از طرفی می توان به جهان ماورایی و برزخی در سریال اشاره کرد که به تصویر کشیدن آن معمولا سختی های خاص خودش را دارد. اما در این بین مواردی بوده است که بازدید کم

رده است؛ یکی از این موارد انتخاب

بازیگرهای تازه کار و نابلد برای ایفای نقش بود به گونه ای که آن حس و

«سریال رستگاری» به تهیه کنندگی و کارگردانی مسعود ده نمکی و نویسندگی حسن وارسته است که از ۲۲ اسفند در ماه رمضان و نوروز ۱۴۰۳ از شبکه دو سیما پخش شده است. حسن وارسته طراح و سرپرست نویسندگان سریال رستگاری است. او پیش از این در مجموعه های موفق تلویزیونی همچون پایتخت، دودکش، علی البدل، دیوار به دیوار و بچه مهندس به عنوان نویسنده حضور داشته است. این سریال در ۳۰ قسمت گویای زندگی مردی کارخانه دار است که در طی زندگی دچار خطاها و اشتباهاتی شده که با حوادثی روبه رو می شود و نگرش تازه ای در او به وجود می آید. باور دین مبین اسلام به زندگی پس از مرگ و عالم دیگر باعث شده تا این موضوع با اهمیت، در فیلم و سریال های ما جلوه گر باشد. سریال رستگاری نیز با پرداختن به این مسئله و جهان برزخی به روی آنتن رفت

محمود پاک نیت به عنوان نقش اصلی این سریال در مصاحبه ای گفته است:

«هر چه این قصه پیش می رود این سریال با مخاطب ارتباط بهتری برقرار می کند.» اما شواهد چیز دیگری را نشان



قوی‌ترین مردان آهنین

محمدحسین ابراهیمی

کارشناسی کارگردانی



برای یک طرفدار پر و پا قرص «مردان آهنین» چه خبری بهتر از اینکه قرار است در نوروز ۱۴۰۳ این گیم‌شوی باقدمت به آنتن شبکه مادری‌اش یعنی سه برگردد، حتی اگر ابتدا در ساعت ۲۰ از کانال ورزش و سپس حوالی ۲۳:۳۰ از شبکه سه پخش شود.

پوشش مسابقات «قوی‌ترین مردان ایران» که برگزیدگان آن راهی مسابقات جهانی‌ای با همین نام می‌شدند از اواخر دهه هفتاد به کنداکتور نوروزی سیما اضافه شد. با استقبال فراوان مخاطبان و پیدا کردن هواداران پیگیر این برنامه همراه با تغییرات فرمی با تغییر نام مواجه شد و در دهه هشتاد با نام «مردان آهنین» به چنان محبوبیتی دست یافت که به جز رضا جاودانی (مجری) و فرامرز خودنگاه (سردار)، شرکت‌کنندگان مسابقه هم به شهرت بی‌سابقه‌ای دست پیدا کردند و جوانان زیادی را به سمت باشگاه‌های ورزشی به ویژه بدنسازی روانه کردند.

اما از طرف دیگر سبک زندگی ناسالم قهرمانان این مسابقه در خارج از میدان (به خصوص دو مورد رضای قرایی و روح الله داداشی) و آزاد بودن دوپینگ و رخ دادن درگیری‌های فیزیکی خارج از میدان بین ورزشکاران، دستمایه‌ای برای مدیران وقت فراهم آورد تا این برنامه را علی‌رغم خواست بینندگان از سبک پخش خارج سازند. در دهه نود غیبت طولانی مدت مردان آهنین در نوروز ۹۷ شکسته شد و این برنامه به تهیه‌کنندگی غلامعباس قنبری و محسن تقوی‌زنوز به آنتن بازگشت و درحالی‌که از چهره‌های قدیمی تنها فرامرز خودنگاه باقی مانده بود

حال را به درستی ادا نمی‌کرد و در بعضی از قسمت‌ها صرفاً بازیگر دیالوگ را طوطی‌وار به زبان می‌آورد و همین هم در روند تأثیرگذاری نتیجه منفی می‌گذاشت

آوردن جلوه‌های ویژه برای نشان‌دادن صحنه‌هایبرزخی از دیدگاه تماشاگر غیرطبیعی و مصنوعی بود اما مسعود دهنمکی برای ساخت رستگاری از تکنیک‌های جدید در جلوه‌های ویژه در این سریال بهره برده که تا به حال در سینما و تلویزیون تجربه نشده و برای نخستین‌بار است که کار می‌شود. روح شخصیت‌های قصه در این سریال به واسطه همین تکنولوژی متفاوت از دیگر آثار تلویزیونی است که با این محوریت تولید شده و می‌توان گفت ارواح در این سریال به صورت شفاف و شیشه‌ای دیده می‌شوند. در برخی سکانس‌های این سریال به جهت نشان‌دادن رویدادها از زاویه دید ارواح دوربین با تکان‌ها و لرزش‌هایی همراه بود که باعث خستگی چشم بیننده می‌شد و او را از ادامه‌ی دیدن باز می‌داشت. از نظر مخاطب سریال رستگاری در قیاس با سریال‌های مشابه با موضوعات خودش (ماورایی) مانند «ملکوت»، «او یک فرشته بود» و «احضار» که در ماه رمضان سال‌های گذشته ساخته شده بودند، ضعیف عمل کرده است و از کارگردان انتظار بیشتری برای ساخت سریال می‌رفت. البته این را هم باید گفت که در سال‌های گذشته به طور خاص در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ تلویزیون با مخاطبان بیشتری همراه بود و با استقبال گسترده‌ای از آنان مواجه میشد به نحوی که در زمان پخش بعضی سریال‌ها خیابان‌ها خلوت می‌شدند

با خانواده‌شان است. علاوه بر این، طولانی شدن آیتم آن هم چهاربار (به ازای هر نفر) در شروع، ریتیم برنامه را دچار اختلال می‌کند و بیننده را از فضای مسابقه دور می‌کند. اگر این برنامه در سکوهای نمایش خانگی عرضه شده بود قطعاً تماشاگران زیادی تا انتهای آیتم تصویر را جلو می‌بردند.

این تلاش که از مردان آهنین الگوهایی برای تبلیغ سبک زندگی سالم ساخته شود چون برآمده از واقعیت و حرف دل ورزشکاران نبوده، موفق نشده. در مردان آهنین سابق ما در جایگاه بیننده ابتدا با جنبه ورزشی شرکت‌کنندگان آشنا می‌شدیم و به مرور، قبل و بعد از هر آیتم، در خلال گفتگوها آن‌ها را می‌شناختیم و همین شیب ملایم سبب می‌شد شناخت کاراکترهای مردان آهنین دراماتیک و متناسب با اقتضائات برنامه ورزشی حاصل شود. مخاطب این برنامه بیشتر به رویکرد ورزشی آن توجه دارد و بعد به سراغ حاشیه‌ها می‌رود اما در مرحله مقدماتی کارگردانی وارونه انجام شد.

در حالت بدبینانه به نظر می‌آید تلاش این سری مردان آهنین از اضافه کردن چاشنی دین و خانواده بر خوشایند کردن چهره این قهرمانان برای مسئولین بالادستی سازمان

با استقبال چندانی مواجه نشد. حتی پس از آن برنامه‌ای مشابه اما با رویکرد متفاوت به روی آنتن نوروزی کانال ورزش هم رفت که باز هم در جذب مخاطب شکست خورد.

تا اینکه در فاصله چند روز مانده به نوروز ۱۴۰۳ اعلام شد که «مردان آهنین» میهمان نوروزی کنداکتور کانال ورزش و شبکه سوم سیما شده است.

با پخش نخستین قسمت مشخص شد که تغییرات بسیار گسترده بوده است؛ تا آنجا که رقابت‌ها به جای روز در زمان شب برگزار می‌شوند. گرچه تاریکی شب کنترل نور و فضا سازی تصویری را مطلوب‌تر کرده اما مزیت استفاده از جزئیات فضای باز را هم از بین برده و به نظر می‌رسد شرکت‌کنندگان و حتی مجری نشاط ورزشی لازم را ندارند. از نظر استانداردهای برنامه سازی سر و شکل برنامه مرتب‌تر و اتوکشیده‌تر شده اما فضای صمیمی و رقابتی در جلوی دوربین و پشت‌صحنه کم شده است، درحالی‌که همین‌ها جذابیت مسابقات قدیمی را شکل می‌دادند. بخش معرفی (پروفایل) هر ورزشکار ایده جذابی است که دچار شعارزدگی شده و بیشتر از آنکه جنبه ورزشی و تلاشگر افراد را به تصویر بکشد، حاوی خاطرات روزه و زندگی



نوروز نسیم در غیاب «منوتو»

محمد مهدی قاسمی

کارشناسی کارگردانی



نوروز نسیم در غیاب «منوتو» سالیانی نه چندان دور که ماهواره و شبکه‌های لندنی و لس‌آنجلسی رقیب اصلی صداوسیما به حساب می‌آمدند، شبکه «منوتو» و متعلقاتش، بزرگترین رقیب صداوسیما در حوزه فرهنگ و سرگرمی به‌شمار می‌رفت. شبکه‌ای که با به‌راه انداختن مسابقه‌های مختلف، جنگ‌ها و... مخاطب قابل توجهی کسب کرده بود. اما اردیبهشت سال ۱۳۹۳ بود که با تأسیس شبکه نسیم، رقابت بین صدا و سیما و «منوتو» رنگ و بویی جدی‌تر به خود گرفت. شبکه‌ی «نسیم» که با مأموریت سرگرمی شکل گرفت، طی ۱۰ سال فعالیت خود تاکنون، خالق تعدادی از بزرگ‌ترین مسابقه‌ها و برنامه‌های سرگرمی محور تاریخ تلویزیون شد.

نوروز ۱۴۰۳ و با تعطیلی شبکه «منوتو»، شبکه «نسیم» بدل به تنها بازیگر این رقابت قدیمی شد و با در نظر داشتن الگوهای برنامه‌سازی جهانی در کنار محدودیت‌های موجود در صدا و سیما و البته افت آمار مخاطبین، توانست عملکرد قابل‌قبولی در برنامه‌نویزی خود یعنی «آی نسیم سحری، عید شد» از خود بجای بگذارد. الگویی که طی سه ساله‌ی اخیر مطرود و محکوم واقع شده بود، علت موفقیت این شبکه شد. استیج‌های عظیم، دعوت از خواننده‌ها و بازیگران لس‌آنجلسی در کنار اجرای زنده موسیقی و... الگویی بود که در طی این چند سال به کمک «منوتو» آمده بود تا در جذب مخاطب موفق باشد. برنامه «آی نسیم سحری عید شد» نیز با بهره‌گیری از این الگوی موفق، پای بازیگران و خوانندگانی را به تلویزیون باز کرد که از

بوده است.

به یاد ماندن رضا جاودانی به عنوان مجری این مسابقه، علی‌رغم حضور چند مجری دیگر در ادوار گوناگون، نشان از احتیاج به تسلط و آشنایی مجری با گزارشگری و فضای رویدادهای ورزشی است که به نظر علیرام نورایی هم چندان انتخاب مناسبی نبوده است.

با رفتن به مراحل بالاتر با گرم‌شدن تنور رقابت هویت بصری و طراحی‌های گرافیکی و نورپردازی ویژه مسابقات که از ابتدا هم سطح کیفی بالایی داشتند، بیشتر به چشم آمدند و تنوع در استفاده از موسیقی و به کار بردن درست اسلوموشن‌های ابتدای هر بخش جذابیت مردان آهنین را دوچندان کرد. اما واقعیت این است که اتفاقات بیرون از کادر و در پشت صحنه نقش بسیار پررنگی در جذب تماشاگر دارند که در مراحل ابتدایی شاهد آن نبودیم. همچنین حضور تماشاگر در صحنه هم شور ویژه‌ای به مسابقات دهه هشتاد بخشیده بود که این سری فاقد آن بود. در وهله اول بازگشت مردان آهنین به کنداکتور نوروزی شبکه سه، تلاش‌های تیم سازنده برای به‌روز کردن فرم برنامه، برگزاری دقیق مسابقه، فضاسازی مناسب و پرزحمت در چهارچوب تصویر و کم‌کردن زمان هدر رفته (پرتی) برنامه در بسیاری از موارد مثبت بوده و جای تقدیر دارد تا جایی که پس از بیش از یک دهه مردان آهنین بازهم به یک گیم‌شوی قابل تماشا بدل شده و شما را به راحتی پس نمی‌زند. شاید تنها کمی چاشنی سادگی و صمیمیت در فرم و محتوا بتواند مردان آهنین را نه تنها به جایگاه پیشین برگرداند بلکه به مراتب بالاتری از موفقیت برساند و مخاطبان بیشتری را با خود همراه سازد

فرزاد حسنی با مهمانان برنامه پخش می‌شد. آیتم‌هایی که از نظر فرمی و محتوایی تفاوتی فاحش با بخش استودیو داشت و مخاطب را از تماشای ادامه برنامه منصرف می‌کرد. به هر نحو، در غیاب رقیب دیرینه، می‌توان به فعالیت این شبکه و برنامه، نمره‌ی قابل توجهی را داد. برنامه‌ای که سعی کرده بود تا به الگوها و استانداردهای جهانی نزدیک شود

بازگشت مهمانی عزیز؛ در ماه مهمانی!

فاطمه علینقیان

کارشناسی کارگردانی



در میان تمام ممیزی‌هایی که همواره دامن‌گیر تولیدات سیما است و نفیس جولان‌های شوخ‌طبعانه‌ی نویسندگان و کارگردانان را بریده است، بازگشت ایرج طهماسب و یاران همیشگی‌اش بار دیگر، مخاطبان گسترده‌ای را تقدیم رسانه ملی کرده است. و از محبوبیتی نسبی برخوردار است.

در اسفندماه ۱۴۰۲ معاون سیما گفت: امید دارد که این مجموعه تا نوروز ۱۴۰۳ به آنتن شبکه برسد و مهمانی عید امسال سیزده روز نه بلکه سی روز برقرار خواهد بود. مسئله اما اینجاست که آیا برنامه‌ی پرمخاطب و محبوبی چون مهمانی، کشش بیش از سی روز را ندارد؟ مگر مقصود سیاست‌گذاران، حفظ و بازگرداندن مخاطبان رسانه ملی نیست؟

وانگهی، حالا که موفق به بازگرداندن مهمانی به خانه‌های مردم شده‌اید، این حجم از سانسور و ممیزی چقدر ضرورت دارد؟ آیا کارگردان با تجربه‌ای چون ایرج طهماسب پس از حدود چهل سال فعالیت در تلویزیون، ممیزی‌ها را نمی‌دانند؟ یا میارها عوض شده‌اند؟ این حجم از سانسور و ممیزی چه

حضور رسمی برخی از آن‌ها در رسانه‌های رسمی، چیزی قریب به ۴۰ سال می‌گذشت. خوانندگانی چون «امیر عظیمی»، «امیرعباس گلاب»، «حامد همایون» در کنار بازیگرانی مانند «حامد بهداد»، «هادی حجازی‌فر»، «میلاد کی‌مرام»، «پهرنگ علوی» و... مهمانان شاخص و سرشناس این برنامه بودند. البته که از شگفتانه‌ی این برنامه یعنی حضور و اجرای زنده‌ی استاد «ایرج» نیز نباید غافل شد. حضوری که ممیزی‌های ۴۰ ساله‌ی صدا و سیما را جابجا کرد. نمایش نواختن ساز غیر ایرانی در کنار آوازخواندن استاد «ایرج»، یکی از عوامل موفقیت این برنامه در جذب مخاطب در بازپخش‌ها و بازدیدهای تلویزیونی آن بود. البته این برنامه، به غیر از چهره‌های سرشناس، میزبان سوژه‌های اجتماعی، کارشناسان علمی و ادبی، فعالین فضای مجازی نیز بود که توازن خوبی بین مهمانان این برنامه برقرار کرد. برگ برنده‌ی اصلی این برنامه، بازگشت و اجرای «فرزاد حسنی» پس از ۱۰ سال به آنتن برنامه‌های نوروزی صدا و سیما بود. فرزاد حسنی که طی سالیان اخیر، کمتر در قاب تلویزیون دیده شده بود، با اجرای این برنامه، طرفداران قابل توجه خود را به این برنامه کشاند تا جزء علل موفقیت این برنامه محسوب گردد. تفاوت اصلی برنامه «آی نسیم سحری، عید شد» با دیگر برنامه‌های پرمخاطبی که در نوروز ۱۴۰۳ از آنتن سیما پخش شد، ضبطی بودن این برنامه بود. مخاطبینی که طی سالیان گذشته، چه در شبکه‌های داخلی و چه برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای، عادت به تماشا کردن برنامه‌های زنده داشته و دارند، این بار تجربه جدیدی بدست آوردند. برنامه نوروزی‌ای که زنده نبود. البته که شبکه نسیم در طی ۱۰ سال فعالیت خود، جز معدود برنامه‌های خاص، تن به پخش زنده نداده بود و این تصمیم نیز احتمالاً در همین راستا اتخاذ شده بود. از دیگر نقاط ضعف این برنامه، آیتم‌هایی بود که لابلای گفتگوی

بدیهیست وقتی برنامه‌ای تبدیل به برند تلویزیون ملی می‌شود علاوه بر امتیازات کیفی نیازمند گذر زمان است. فرضا که تولید یک برند جدید با صد درصد امکانات صورت گیرد، باز هم نتیجه‌ی مطلوب حاصل نمی‌گردد چرا که این چیزی نیست که رسانه ملی به آن محتاج است

بیننده‌ی حداکثری داشتن یک اثر، هم به نفع سازمان است هم خالق آن؛ چرا که وقتی سازمان قدرت جذب مخاطب را نداشته باشد رقبای تردست و سوداگر آن، گوی را خواهند ربود؛ کمالیکه در تولیدات بی‌محتوا و صرفاً سرگرم‌کننده‌شان، تمرکز زیادی بر این هدف گذاشته‌اند

از طرف دیگر، آثار یک تولیدکننده جز در تلویزیون رایگان و سراسری، ضریب مخاطب نمی‌گیرد؛ حتی در زمانی که مخاطب جعبه جادو، حداقلی است

پس این یک بازی دو سر برد خواهد بود.

چه بسا که سازمان مستلزم حمایت از بازگشت برندها است به خصوص برندی نوستالژی، پرمخاطب و دیدنی.

پذیرفتنی است که تولید نمایانهای جدید باید در دستور کار قرار گیرد؛ اما نه زمانی که مخاطبان در قهري طولانی با تلویزیون ملی به سر

از جان عوامل تولید کننده می‌خواهد؟

یا اینکه چطور وقتی به وضوح انتظار می‌رود که چنین مجموعه‌ای مخاطبان را با تلویزیون آشتی دهد، برنامه‌ریزی دقیق‌تری برای آن انجام نشده؟

کمی پیش‌تر، در جواب این سوالات، مسئولان مربوطه فرمودند که فرایند مذاکرات و تامین هزینه‌ها به تعویق افتاده و فرایند تولید طولانی شده است. مگر در سال، چند برنامه در گروه الف و ب تولید می‌شود که این مجموعه مستحق برنامه‌ریزی درست و به موقع نیست؟ چرا باید همه چیز به دقیقه‌ی نود موکول شود؟

ایرج طهماسب با تولیداتش برندی تلویزیونی را ایجاد کرد که شاید نظیر آن تا مدت‌ها ایجاد نشود

بعد از اختلاف بر سر مالکیت معنوی و فکری این مجموعه و برندی که سازمان آن را حق خود می‌دانست؛ این تفکر که می‌توان برند جدیدی را تولید کرد که به همان اندازه مخاطب داشته باشد، اشتباهی راهبردی بود که سال‌ها ضرر را به همراه داشت. چرا که تولید یک برند با حداکثر بیننده، کار آسانی نخواهد بود.



در این زمان کوتاه، ایرج طهماسب باز هم از عهده‌ی همه چیز برآمد؛ گفت‌وگو نویسی‌های غیرقابل پیش‌بینی، جانمایی درست عروسک‌ها و حتی سناریو دقیق آشناسدن شخصیت‌ها با یکدیگر و تمامی جزئیات رعایت شده، از کیفیت تولید اثر حفظ و حراست کرده است

از دیگر سو، در این مجموعه تلویزیونی، تلاش شایسته‌ای برای شمول طیف‌های مختلف سنی مخاطبان و همراه کردن آنها در کنار هم صورت گرفته است؛ کاری که در کارکردهای جامعه‌شناسانه رسانه اهمیت بسزایی دارد. جذب هم‌زمان مخاطب کودک و بزرگسال پای یک برنامه، غایت توانایی و تسلطی است که از خلال چند دهه تجربه برنامه‌سازی بیرون می‌آید. گنجاندن هم‌زمان شوخی‌های ویژه کودکان و بزرگسالان با رعایت چهارچوب و موازین سخت‌گیرانه پخش، کار دشواری است که در این برنامه محقق شده است. هر چند که سانسور و ممیزی ضربه‌های سنگینی بر پیکر و ساختار این طنز وارد می‌کند

وسواس در انتخاب بهترین افراد و تشکیل یک تیم بسیار قوی و کنار هم قرار گرفتن شان یعنی مخاطبان رضایت‌مند و بازگشته به تلویزیون. همان تیمی که در این زمان کم موفق شد برخلاف مجموعه‌های دیگر با ایرادات گل‌درشت، تقریباً عاری از ایراد و اشکال باشد

و در آخر، این مجموعه تا پایان ماه مبارک رمضان و کمی پس از آن روی آنتن شبکه نسیم است و مراحل تولید و پخش به موازات هم پیش می‌روند. هرچند دیر است اما این برنامه همان لنگه کفش قدیمی‌ست که در بیابان غنیمت است.

لطفاً قدردان برندهایی که مخاطبان را آشتی می‌دهند باشید

می‌برند. این کار زمان‌بر و البته هزینه‌بر است؛ پس هرگاه مخاطبان بازگشتند و بازار رقابت میان شبکه‌ها بر سر جذب مخاطب داغ شد، آنگاه وقت تولید برند جدید در کنار تولیدات هم‌چنان محبوب و قدیمی است؛ تا برندهای جدید بتوانند در کنار آن‌ها رشد و نمو داشته باشند. گاهی تنها یک نام آشنا کافی‌ست تا بفهمیم، مردم، تلویزیون را زیرنظر دارند تا شاید مجذوب برنامه‌ای شوند و آن را دنبال کنند.

ما در نقطه ضرورت هستیم. جایی که ضرورت‌ها باید بیش از پیش مورد توجه باشند، قطعاً ضرورت، داشتن شبکه‌های متعدد و برنامه‌های متعدد نیست. و بی‌شک، تولید تنها یک برنامه تلویزیونی با کیفیت و همه‌گیر، از چندین برنامه سطحی و ضعیف ارجح است. نباید در نقطه فدا کردن کیفیت برای کمیت باشیم

حمایت سازمان از بازگشت برندها آن هم زمانی که تولید یک برند جدید برای رسانه‌ای که مخاطبان‌ش سیر نزولی داشتند کاری دشوار است، امری واضح و روشن است. یک برندی چون برنامه مهمانی مستحق برنامه‌ریزی دقیق‌تر و طولانی‌مدت‌تر است، نه که تنها چند هفته مانده به سال جدید فقط امیدوار باشیم که برنامه به آنتن برسد

پس سنجیدن نفع مخاطبان واجب است، و تا وقتی چنین نیست، نباید از گرایش مردم به رسانه‌های رقیب گله‌مند بود

بازگشت ایرج طهماسب این بار نیز با وجود فراز و نشیب‌ها متفاوت است. او با تلفیق عروسک‌ها نوآوری و نوستالژی را عجین کرده است تا هم مخاطبان شبکه خانگی و هم رسانه ملی رضایت‌مند باشند و چه آن‌کس که به شوق دیدن عروسک‌های دهه ۷۰ بازمی‌گردد و چه مخاطب تازه وارد «وی او دی» هردو در کنار هم به تماشای این مجموعه بنشینند.

خواهد شد چراکه آن ذهنیت منفی نسبت به محافظه کار بودن تلویزیون را از بین می برد. لکن نقطه ضعف های این سریال باعث شده است استقبال در خور این مسئله شکل نگیرد

ابوالقاسم طالبی که ساخت سریال «به کجا چنین شتابان» را در کنار فیلم های «یتیم خانه ایران» و «قلاده های طلا» در کارنامه فیلمسازی اش دارد و همه آنها گریزی به موضوعات سیاسی اجتماعی روز جامعه دارند و با اقبال قابل قبولی از سمت مخاطبین مواجه شده اند، این بار دست روی سوژه جذابی گذاشته است که به جد می توان گفت به لحاظ ساخت و فرم، انتظار مخاطبین حرفه ای خود را مانند قبل برآورده نکرده است

آنچه این سریال را با تعجب منتقدین روبه رو کرده است، ناپختگی بازی بازیگران تازه کاری است که حتی در موارد بسیاری، دیالوگ ها را بازی نمی کنند و تنها گوینده صرف هستند

مشحون بودن فیلم از خرده پیرنگ ها و فقدان یک پیرنگ کلی در سریال که می توانست از تغییرات مکرر فریم ها جلوگیری کند، ضعف دیگری است که در سریال مشاهده می شود

البته نوآوری و خط شکنی های مثبت و منفی داستان موضوع دیگری است که

اژدهای با هفت سر

فاطمه اکبری اصل

کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی



سریال «هفت سر اژدها» اثر کارگردان معروف و نام آشنای سینما و تلویزیون ابوالقاسم طالبی است که در طی شش سال در پنجاه قسمت تولید شده است. این سریال که نام خود را از سخنان رهبری در ۱۹ بهمن ۱۳۹۶ در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش وام گرفته است، برای اولین بار توانسته است ابعاد بزرگی از فساد کلان اقتصادی در کشور را به صورت آشکار نشان دهد؛ کاری که به گفته طالبی، حاصل تلفیق ده ها پرونده قضایی بوده است. مقام معظم رهبری در این دیدار از فساد اقتصادی با تعبیر «اژدهای هفت سر» نام برده اند و فرموده اند: «فساد مثل اژدهای هفت سر افسانه هاست. یک سرش را که می زنی با شش سر دیگر حرکت می کند. از بین بردنش آسان نیست. آن کسانی که منتفع از فساد هستند برخورد با این ها کار بسیار سختی است ولی حتما باید انجام بگیرد»

تولید چنین آثاری که دغدغه های روز مردم را محور قرار دهد، موجب اعتماد بیشتر مردم به رسانه ملی



محفل آشتی با نور

محمدجواد نصیری

کارشناسی ارشد روزنامه نگاری



تابیدن نور قرآن در همه شئون زندگی بشر آرزوی دیرینه‌ای است که تمام فرستادگان الهی در صدد تحقق آن هستند. خداوند متعال در ابتدای سوره ابراهیم هدف غایی نزول قرآن را این‌طور بیان می‌کند: «قرآن نازل شده است تا تو جامعه را نورانی کنی و مردم را از تیرگی و تاریکی برهانی و آنان را روشن کنی.»

برنامه تلویزیونی محفل به درستی خلاء زندگی بشر امروزی را تشخیص داده و با در نظر گرفتن ظرافت‌های خاص در فرم و محتوا توانست این دور افتادگی از قرآن را تا حدی جبران کند. به خدمت گرفتن هنرمندان عنصر سرگرمی برای ارائه مضامین متعالی قرآن، از ویژگی‌های بارز این برنامه است که باعث بروز نشاط و شادابی در آن شد. زمان مناسب دم افطار یکی از مهم ترین نقاط قوت این برنامه است، که می‌تواند نگاه گرم خانواده‌ها را به خود جلب کند و یک محفل قرآنی خانوادگی ترتیب دهد.

فارغ از تمام زیبایی‌های بصری و تکنیک‌های برنامه‌سازی تلویزیونی، آنچه که در برنامه محفل برجسته و مورد اهمیت است، جاری کردن آیات قرآن در بطن زندگی اجتماعی و فردی انسان‌ها است. در دورانی که قرآن صرفاً به عنوان موسیقی محزون در مجالس ختم و قبرستان‌ها شنیده می‌شود، صحبت درباره کارکرد آیات قرآن در زندگی انسان می‌تواند اندکی این کتاب نورانی را از مهجوریت خارج کند. نگاه کاربردی کارشناسان قرآنی این برنامه کاملاً مشهود بوده و نشان می‌دهد احیای پیوند قرآن با

شایسته است به آن نیز پرداخته شود. به‌طور مثال استفاده از یک چهره شناخته شده در مسائل روان‌شناسی و خانواده، همراه با بیان نکات علمی روانشناسی در درون سریال، از جمله نوآوری‌های خوب داستان قلمداد می‌شود که البته با بی‌سلیقگی نویسنده تا حدود زیادی به سمت شعاری‌شدن رفته است و از جنبه دراماتیکی داستان کاسته است. پرداختن به ترک فعل مسئولین در مبارزه با فساد و افشای رانت‌ها در حد قابل‌توجهی نیز نوعی خط‌شکنی خوب سریال بوده است. از طرفی دیگر استفاده از فعالان رپ زیرزمینی در رسانه رسمی ملی، استفاده از موسیقی رپ، استعمال دخانیات و مواد مخدر از نمای بسیار نزدیک و برخورد فیزیکی زن و مرد، جزء نکات منفی آن شماره می‌شوند که به‌نظر می‌آید جزء اولین‌ها در عبور از خطوط قرمز رسانه ملی باشند

گفتنی است ناراضیتی پلیس از سکانس‌های پلیسی، موضوع دیگری است که سریال را با چالشی دیگر مواجه ساخته است. سخنگوی ناجا سردار سعید منتظر المهدی در گفت‌وگویی با ایسنا با اشاره به اینکه سکانس‌های امنیتی و پلیسی سریال، با بدیهی‌ترین اصول ساخت سریال پلیسی فاصله بسیار زیادی دارد، می‌گوید: «متأسفانه این سریال در زمان کنونی ساخته نشده و طبیعتاً اگر در حال حاضر بود اجازه نمی‌دادیم حتی یک فریم پلیسی بدون نظارت و تایید کارشناسان انتظامی تصویربرداری شود چه برسد که پخش شود.»

در هر حال امید است ساخت چنین سریالی با موضوعات کلیدی جامعه، نقطه آغازین تحول در صنعت فیلم و سریال قرار بگیرد و با برطرف کردن ضعف‌ها، شاهد بینش‌افزایی به‌هنگام رسانه ملی باشیم

شاید اساسی ترین سوال از مدیران سازمان صدا و سیما این است، چه تدبیر و راهکاری برای انتشار و اثرگذاری برنامه محفل در کشورهای اسلامی و عرب زبان داشته اند؟ آیا رسانه ملی توانسته از ظرفیت مهم قرآن، که کتاب مشترک همه مسلمانان است، به نحو احسن بهره بگیرد؟ ظاهراً تلاش عوامل برنامه به جهت استفاده از قاریان و داوران بین المللی و عرب زبان در راستای نگاه به خارج از محدوده جغرافیایی ایران است، اما نگاه مدیران رسانه‌ای هم چنین بوده؟

دیگر اثر این برنامه، در دورانی که رسانه ملی با پرداختن به برنامه های «تلنت شو»، مثل عصر جدید، که الگوی موفق را عموماً در رشته های ورزشی و تخصصی هنری معرفی می کند، با پدید آمدن برنامه محفل، تغییری در فهم استعداد و معرفی شخصیت الگو ایجاد شد

مطالبه رهبر انقلاب مبنی بر تبدیل شدن هر مسجد به یک پایگاه قرآنی سالها مورد بی توجهی متولیان فرهنگی قرار گرفته است و آن طور که باید در جبهه فرهنگی انقلاب به آن

پرداخته نمی شود. ساخت چنین برنامه ای باید به دنبال ایجاد اشتیاق عمومی به فراگیری قرآن بین جامعه ایران باشد و تاثیر مهم و مطلوبی که تولیدکنندگان برنامه های قرآنی باید در پی آن باشند این است که، منجر به جریان سازی برای مطالبه کودکان و نوجوانان از والدین و والدین آنها از متولیان فرهنگی برای هموار کردن مسیر آموزش این قرآن شود، تا به الگوی هر مسجد یک پایگاه قرآنی نزدیک شویم.



متن زندگی بشر در دستور کار این برنامه قرار گرفته است؛ از این رو وقتی مخاطب در معرض پیام این برنامه قرار می گیرد، در می یابد قرآن صرفاً یک کتاب مقدس برای تلاوت جهت کسب ثواب اخروی نیست بلکه کتابی است با اندیشه استوار و منطق مستحکم برای پاسخگویی به تمام نیاز های بشر برای رسیدن به زندگی برتر در دنیا و آخرت

یکی از اثرات مطلوب این برنامه، گذر از کلیشه دین سکولار است، که سالهاست عاقدانه یا ناخواسته در جامعه و خصوصاً در محافل قرآنی به مخاطبان عرضه می شود. موضع گیری جدی راجع به مظلومیت غزه و محکومیت اسرائیل به استناد آیات قرآن به عنوان اصلی ترین مسئله جهان اسلام، نمونه ای از آثار عبور از کلیشه های محافل قرآنی سکولار است. ارائه برداشت تعهدآفرین بودن فهم آیات قرآن، می تواند منجر به بازنگری مفهوم دینداری شود و برداشت رایج بین توده مردم از دین را مورد چالش قرار دهد.

اگر بخواهیم درباره نقاط قوت و ضعف برنامه های تلویزیونی صحبت کنیم، صرف اکتفا به فرم و

محتوای برنامه منحصر در جعبه تلویزیون نمی تواند تحلیل جامعی از برنامه به ما ارائه کند. اثر گذاری برنامه محفل باید در جوامع بین المللی، خصوصاً کشورهای اسلامی، و جامعه ایران دیده شود. ایجاد مطالبه عمومی برای حمایت از غزه و فلسطین مظلوم در زمانی که برخی کشورهای اسلامی تصمیم به سکوت و بی طرفی گرفته اند، می توانست از آثار بی بدیل این برنامه باشد

«ماه من»؛ جامه‌ای برازنده‌ی قامت سحر

لمیعا حیدری

کارشناسی ارشد ارتباطات



دکور آن است. این دکور که از فصل ابتدایی آن با عنصر آب مزین گشته است، حس آرامش و روشنایی را برای مخاطبین خود تداعی می‌کند. درخصوص اجرای این برنامه توسط مجری توانایی آن -نجم‌الدین شریعتی- سخنی باقی نمی‌ماند. او می‌داند چه زمانی باید ورود، و چه زمانی سکوت کرد. این هنر قابل ستایشی است

موضوع اصلی برنامه ماه من در بخش کارشناسی، گفت و گو درباره امیرالمومنین (ع) و به‌ویژه ریشه‌های مظلومیت آن امام همام است. موضوعی که چه در بخش صحبت درباره حضرت علی (ع) و چه در روایت‌گری شهدا مورد توجه و تاکید است. در بخش صحبت درخصوص امیر مومنان حضرت علی (ع)، تلاش شده است نکاتی از فرموده‌های ایشان استخراج شود که با زمان حال تطبیق داشته باشد و مسائلی که ممکن است جامعه کنونی ما درگیر آن باشد مورد بررسی قرار گیرد؛ یا آن محورهایی که ممکن است برای جامعه امروز حساسیت داشته باشد در کلام آن حضرت چگونه بوده است. گویا تلاش دست‌اندرکاران تولید این برنامه در راستای آن بوده است که از پویایی و تازگی برخوردار باشد. مطالب و نکاتی که توسط کارشناسان مذهبی برنامه مطرح می‌شود نیز، در بین هیئات مفصل بحث می‌شود؛ کارشناسان امر، علماء اهل قلم و اهل علم نسبت به برنامه واکنش نشان می‌دهند. این نشان از دیده شدن این برنامه دارد

یک حاشیه/ یک پاسخ

در روزهای گذشته کلیپی تقطیع شده از سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان در این برنامه درخصوص ویژگی‌های نبی مکرم اسلام (ص) و امیرالمومنین (ع)

«ماه من» ویژه برنامه سحرگاهی ماه مبارک رمضان، با اجرای نجم‌الدین شریعتی و به تهیه‌کنندگی یوسف منصوری بود که هرپامداد حوالی ساعت ۳:۳۰ به روی آنتن شبکه سه سیما می‌رفت. «ماه من» برنامه‌ای ترکیبی زنده با آیتم‌های جوان‌پسند که از سال اول با نوآوری در شیوه برنامه‌سازی برنامه‌های مذهبی و مناسبی، نمونه‌ای قابل دفاع از برنامه‌ای است که هم در نیازسنجی مخاطب و نیز در زیبایی‌شناسی آگاهانه گام برداشته است. آن‌چه در آیتم‌های گوناگون مذهبی، مداحی، روایت‌گری شهدا و... در این برنامه به مخاطبش ارائه می‌شود، نشان از احترام به وقت و نگاه اوست. ضرابه‌نگ و ریتم صحبت‌ها در این برنامه به‌گونه‌ای است که مخاطب سحرگاهی به‌خوبی با آن ارتباط برقرار می‌کند. کارشناسان مذهبی این فصل از برنامه ماه من، حجت الاسلام علیرضا پناهیان و حجت الاسلام سیدمهدی خضری بودند. همچنین در بخش مداحی افرادی چون محمدحسین حدادیان، سید امیر حسینی، سید محمود علوی و دیگر مادحین اهل بیت مهمان این برنامه بوده‌اند. از آیتم‌های ثابت این برنامه نیز روایت‌گری شهدا توسط جواد تاجیک بود که در فصل‌های پیشین نیز به روایت قصه‌هایی شنیدنی از زندگی شهدا می‌پرداخته است؛ قصه‌هایی متناسب با اتفاقات زمان حال، که الهام‌بخش این نکته است که انسان‌هایی از جنس همین مردم با اعمال خود به چه درجاتی از معنویت رسیده‌اند

از دیگر نوآوری‌های این برنامه که مورد تحسین بینندگان و منتقدان آن قرار گرفته،

بحث حسادته که این پوسته ظاهریشه.» وی درخصوص اظهاراتش در این برنامه و برداشت های ناصواب از آن، پاسخ داد: از همه منتقدان دلسوز تشکر می‌کنم. معلوم است که مملکت ما طرفدار اهل بیت(ع) است. تمام آن عباراتی که بنده می‌گفتم از جانب حسودانی بود که به امیرمؤمنان(ع) حسادت داشتند و ولایت و سخت‌گیری‌های ایشان را برنمی‌تافتند. او با بیان اینکه در مقام تبیین «چرایی شدید بودن حسادت معنوی»، مباحث بسیاری را مطرح کرده است، تأکید کرد: من عبارات زیادی از جانب حسودان به امیرمؤمنان(ع) مطرح کردم که اگر هر کدام را تقطیع می‌کردند می‌توانستند استفاده‌های ناصوابی از آن داشته باشند. هر جمله‌ای را باید در فضای سخن تفسیر و تحلیل کرد. اگر ما بخواهیم جمله‌ای را جدا کرده و بر اساس آن قضاوت کنیم، اشکالات زیادی بر آن وارد می‌شود؛ حتی اگر این کار را با آیات قرآن هم انجام دهیم نیز می‌توان اشکالات زیادی بر آن وارد ساخت

به دنبال موجی از این واکنش‌ها در همان روز، صوتی از شیخ حسین انصاریان در فضای مجازی منتشر شد که به‌شدت از این اظهارات انتقاد کرده و گفته بود: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ؛ پیغمبر و علی که این‌گونه

در فضای مجازی منتشر شده است که واکنش‌های گوناگونی به‌همراه داشته است. قصه از اینجا آغاز می‌شود که در سحر ۲۶ ماه مبارک رمضان حجت الاسلام والمسلمین پناهیان در ادامه سلسله مباحث «آیا ریشه‌های مظلومیت امیرالمؤمنین(ع) همچنان باقی است؟»، به مسئله حسادت معنوی می‌پردازد و بحث حفظ حساسیت و دقت پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین(ع) در قبال بیت المال را مطرح می‌کند. با تقطیع و انتشار آن در فضای مجازی این پیام به مخاطب القاء می‌شود که وی به نبی مکرم اسلام(ص) و حضرت علی(ع) توهین کرده است. بخشی از سخنان استاد پناهیان درخصوص صفات امیرالمؤمنین علی(ع) در زمان ولایت وی، در این از قسمت از برنامه بدین شرح است: «او وقتی ولایت داره اگر بشه باهاش رفیق شد، یک چیزی بماسه به آدم باز خوبه. اما اگر یک کمی گوشت تلخ باشه، بری پیشش شمع رو خاموش بکنه، این رو دیگه شمشیر کشیدن طلحه و زبیر. ما باید علی رو بکشیم. و امیرالمؤمنین در مقام خلافت گوشت تلخی می‌کرد. یک دفعه‌ای او مد بیت‌المال رو مساوی تقسیم کرد. این رو هیچکس نمیشه باهاش رفیق بشه؛ یک بانندی درست کن، اون باند نگه دارند حکومت رو. دم اون‌ها رو بین لاقفل. تو یک‌دانه رفیق برای خودت نمی‌گذاری. متوجه شدین چیشد؟ ریشه‌اش



فصل‌بندی آثار و اقبال مخاطب

ابوالفضل فرخی

ارشد تهیه‌کنندگی تلویزیون



روند فصلی‌شدن سریال‌های تلویزیونی، که به صورت انتشار قسمت‌های جدید، در یک بازه زمانی چند ساله انجام می‌گیرد به روزهای اولیه گسترش پدیده تلویزیون در بین جوامع برمی‌گردد، یعنی زمانی که برنامه‌ها اغلب به صورت هفتگی در طول سال تولید و پخش می‌شدند. بعدها، با تکامل صنعت تلویزیون و تغییر عادات مخاطبین در تماشای آثار، جریان فصلی‌شدن آثار تلویزیونی هم دچار تغییر شد

یکی از اولین نمونه‌های فصل‌بندی در تلویزیون، سیتکام (کمدی موقعیت) محبوب دهه ۱۹۵۰ یعنی «من لوسی را دوست دارم» محصول شبکه CBS بود. این سیتکام، از آن‌جا که توانسته بود برای اولین بار بینندگان زیادی را از همان قسمت‌های نخستین فصل اول جذب کند، در بازه زمانی شش ساله، یعنی از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۷، در شش فصل تولید شد. این سیر در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، با ظهور تلویزیون ماهواره‌ای و سرویس‌های استریم، باعث محبوبیت نوع تولید مبتنی بر فصل‌بندی سریال‌های تلویزیونی شد. بعضاً سریال‌ها و سیتکام‌های ساخته شده در دهه ۱۹۹۰ مانند؛ «سوپرانو»، «دوستان»، «ساینفیلد» تا به امروز که دو دهه از تولیدشان می‌گذرد، هنوز بین اقشار مختلف در کشورهای مختلف مخاطب دارند

به طور کلی، فصلی‌سازی آثار یک رویه استاندارد در مدیوم تلویزیون است، که نه فقط آثارنمایشی که شامل؛ گیم شو، تالک شو، مسابقه‌های

قرآن از آنها تعریف می‌کند گوشت‌تلخ بودند؟ دیگر ناسازی از این بالاتر بود که به پیامبر و امیرالمؤمنین گفته شود؟ توجیهات بیان‌شده روز بعد یک قرآن ارزش ندارد؛ چون دفاع از خود بوده نه از امیرالمؤمنین و پیغمبر. شما را به خدا بلد نیستید روی منبر پیغمبر ننشینید، حرام است والله!»

حجت الاسلام والمسلمین پناهیان نیز در پاسخ به ایشان گفت: ایشان (شیخ حسین انصاریان) به‌عنوان پیشکسوت این مسیر به من گفتند به‌خاطر تعبیری که برای امیرالمؤمنین به‌کار بردم، دلجویی از مؤمنین و علمای حوزه که برایشان این سوءتفاهم و دلخوری پیش آمده صورت بگیرد، البته من توضیحات کاملی برای ایشان دادم چون توضیحات بنده را از سیما نشنیده بودند که از جانب حصاد این تعبیر را مطرح کرده بودم. برخی‌ها می‌گفتند این غلطی که باید گفته شود در قرآن از جانب کفار آمده است که من گفتم من اصلاً از جانب خودم این وضعیت را درباره امیرالمؤمنین نگفتم، از طرف دیگر شما شرایط استودیو را هم می‌دانید که اواخر بحث با عجله پیش می‌رود و همواره با انگشتان نشان می‌دهند. من به توصیه پدرانۀ ایشان از همه اهل علم در حوزه که دچار ناراحتی به‌خاطر این تعبیر شدند عذرخواهی می‌کنم، از همه مؤمنین و دلسوزان عذرخواهی می‌کنم و استغفار می‌کنم اگر به ساحت مقدس امیرالمؤمنین جسارتی شده باشد حتی در حد بی‌اعتنایی کردن. این سخنران مذهبی گفت: ایشان (شیخ انصاریان) به من گفتند؛ شما باید صریحاً می‌گفتید که حسودان می‌گویند که امیرالمؤمنین گوشت‌تلخ بوده است، من به ایشان عرض کردم در توضیحاتم مفصل‌تر این نکته را گفته بودم، به‌رحال ما وقتی غم حضرت را می‌خوریم باید بدانیم حضرت در چه فضایی مظلوم واقع شدند

و اینترنتی کاملاً مشهود بوده و هست از دیگر آثار مهم که توانست علاقه مخاطبان را در چند فصل حفظ کند، سریال «زیرخاکی» ساخته جلیل سامان است که اولین فصل آن در سال ۱۳۹۹ تولید شد و امسال هم چهارمین فصل آن روی آنتن رفت. این سریال کم‌دی-تاریخی داستان مردی به نام فریبرز باغ‌بیشه معروف به فری زیرخاکی با بازی پژمان جمشیدی را به تصویر می‌کشد. فریبرز که به دنبال یک زیرخاکی می‌گردد در طی داستان درگیر مسائل و کشمکش‌هایی با دیگر کاراکترها به خصوص همسرش پریچهر می‌شود که این ماجراها منجر به ایجاد موقعیت‌های طنزانه و کمیک در طول سریال می‌شود

چهارمین فصل این درام کم‌دی نیز ادامه‌ی منطقی فصول قبلی است، ما با قرار گرفتن شخصیت اصلی یعنی فریبرز در موقعیت‌های عجیب و متناقض مواجهه هستیم که علت دراماتیک قرارگیری او در این موقعیت‌ها، طمع او در پیدا کردن یک زیرخاکی است. اما سریال مانند دیگر سریال‌های فصل‌بندی شده دیگر در ایران از یک مسئله ضربه می‌خورد و این مسئله باعث شده فصل چهارم این سریال از حد متوسط فراتر نرود

سریال‌های از این دست که نمونه‌ی دیگر آن سریال «پایتخت» است، به شکلی در فصل‌های بعدی خود پیش می‌روند که صرفاً از عناصر

استعدادیابی و... نیز می‌شود. کمتر اثری امروزه شاید به صورت تک فصل تولید شود، گاهی حتی مینی‌سریال‌هایی که محبوبیت زیادتر از پیش‌بینی تولیدکنندگان به دست می‌آورند نیز، فکر ساخت فصل جدید را در ذهن تولیدکنندگان آثار روشن می‌کنند، نمونه آن مینی سریال کره‌ای «بازی مرکب» محصول (۲۰۲۱) Netflix است که فصل دوم آن، به گفته سازنده اثر، هوانگ دونگ هیوک، قرار است در اواخر سال ۲۰۲۴ پخش شود. در دوران تلویزیون‌های اینترنتی و سرویس‌های استریم، رویکرد فصل‌بندی سریال‌ها به شبکه‌ها و پلتفرم‌ها اجازه می‌دهد تا برنامه‌ریزی خود در جذب مخاطب را دقیق‌تر پی‌ریزی کنند و در فصل‌های جدید آثارشان هم بتوانند مخاطبان بیشتری را جذب کنند.

در تلویزیون ایران، فصل‌بندی آثار به شکلی از دهه ۱۳۸۰ شروع شد، آثاری مانند؛ «مرد هزار چهره» و برنامه «ماه عسل» دو نمونه شاخص در تولید فصلی آثار بودند. در دهه ۱۳۹۰، شکل فصل‌بندی آثار بیشتر مورد

مدیران سازمان صدا و سیما و شبکه نمایش خانگی قرار گرفت، آثار محبوب این دهه هم در صداوسیما و هم در پلتفرم‌ها شامل؛ «شهرزاد»، «پایتخت»، «عصر جدید»، «لیسانسه‌ها»، «زخم کاری»، «نون خ» و... می‌شود و اقبال به این آثار در بین مردم و شبکه‌های مجازی



یکی از علل اصلی فصل‌بندی آثار تلویزیونی، قطعاً نحوه اقبال مخاطب به اثر است. یعنی این مهم هم دلیل فکری و هنری دارد که به خالقان مربوط است و هم دلیل روند تولید و نحوه پخش که به مدیران و برنامه‌ریزان شبکه‌ها و پلتفرم‌ها مربوط است. فصل چهارم زیرخاکي طبق آمار مجموعاً ۲۹ درصد مخاطب داشته است در حالی که در فصل‌های پیشین تا حدود دو برابر بیننده این سریال بودند. جدا از مسائل فرامتنی درباره مواجهه جامعه کنونی با آثار صداوسیما، مسئله افت مخاطب نه فقط مربوط به مواجهه خالقان در چگونگی ساخت فصل چهارم سریال زیرخاکي که به نحوه مواجهه مدیران نیز برمی‌گردد. یک چیز اینجا واضح است؛ ساخت اثر فرهنگی با دستور و بخشنامه ممکن نیست. به هر طریق اثر را به آنتن رساندن نه به نفع مخاطبان است نه سازندگان و نه مدیران، چه صداوسیما باشد، چه شبکه‌نمایش خانگی. برنامه‌ریزی و استراتژی دقیق، با استفاده از نیروهای متخصص، تحصیل‌کرده و با تجربه و البته تغییر روند سازمان در تولید آثار نمایشی و همچنین احیاء هر چه سریع‌تر و هدفمند دفتر فیلمنامه سازمان، راهکار احتمالاً سودمندتر در تولید آثار نمایشی برای جذب مخاطب به آثار تلویزیونی است. در زمانه جدید، دیگر نباید به روند پخش کابلی وابسته بود. باید توجه بیشتری به چاپک کردن ساختارها داشت و اهمیت بیشتری به دسترسی آسان‌تر آثار به دست مخاطبین داد. زمان، زمان تحول است، نه به حرف بلکه به عمل

تثبیت شده‌ی فصل اول برای پیشبرد روایت و خنده گرفتن از تماشاگر استفاده می‌کنند و عملاً آنچنان نه در پیرنگ و نه در شخصیت‌ها و نه در ایجاد اتمسفر جدید در فضای سریال حرکت خاصی از طرف سازندگان شاهد نیستیم. البته این به معنای کم ارزش بودن فصول بعدی این آثار نیست اما اگر نمونه‌های استاندارد جهانی را در نظر بگیریم می‌توان این نقد را تا حدودی وارد دانست. به عنوان مثال سریال کم‌دی - ورزشی «تد لازلو» (۲۰۲۰) محصول Apple tv، که روایت تلاش‌های یک مربی بی‌تجربه فوتبال به نام تد لازلو با بازی جیسون سودیکس را جهت احیاء تیم خیالی اف. سی ریچموند، به تصویر می‌کشد، در سه فصلی که تا به الان تولید شده خالقان سعی کردند در هر فصل بُعدی جدید از کاراکتر تد لازلو را در مسیر رشد شخصیتی و بلوغش نشان دهند. این تلاش در سریال‌های فصل‌بندی شده ایرانی کمتر دیده می‌شود به طوری که بعضاً آثاری مانند؛ «شهرزاد» و «زخم کاری» در فصل‌های بعدی خود با افت و انتقاد مشهود مخاطب مواجهه می‌شوند. البته مثلاً سریالی مانند «لیسانسه‌ها» یک نمونه قابل قبول در گسترش داستان و شخصیت‌هایش در فصل دوم یعنی «فوق لیسانسه‌ها» بود.

به اعتقاد بسیاری سریال «زیرخاکي» همچنان فصل اول آن بهترین فصلش است، بهره برداری صرف از پتانسیل شکل گرفته در فصل اول، در فصل‌های بعدی سریال به خصوص فصل چهارم، منجر به کمبود غافلگیری و تکراری شدن کنش‌ها و موقعیت‌ها شده است. این سریال برای ایجاد جذابیت مضاعف نیازمند موقعیت‌های نمایشی ناب‌تر و پر کشش‌تر است و البته که پتانسیل این مهم را داراست.

دریچه‌ی نور این بار از چشمِ تن

اللهه عابدزاده

ارشد تهیه‌کنندگی رادیو



همچنان مشتاق موضوعات مذهبی، معاد،برزخ و دنیای پس از مرگ می‌باشد. گرچه این برنامه به تجربه‌های نزدیک به مرگ می‌پردازد و نه صرفاً مرگ قطعی، اما همین نکته که تا اندازه‌ای پاسخگوی نیاز و عطش مخاطبین حول محور این موضوع است، نشانگر دغدغه‌ی آنان می‌باشد

سومین و مهم ترین نکته اینک طبق آمارهای ارائه شده و نظر سنجی های متعددی که در طی فصل‌های گذشته‌ی برنامه انجام شده بخش این برنامه باعث افزایش انصراف افراد از اعمال ناپسندی چون خودکشی و همچنین تعمیق باور مخاطبین نسبت به ماوراء و عالم ملکوت شده است به طوری که این موضوع در اظهارات طیف مختلفی از جامعه‌ی مخاطبین از قشر مذهبی تا افرادی که دارای اعتقاداتی عمیق و این چنینی نیستند نیز، شکل گرفته است

و از نکات حائز اهمیت دیگر این برنامه می‌توان به تجربه‌گرانی اشاره نمود که از میان اقشار مختلف جامعه با طیف شغلی متفاوت می‌باشند و البته اشاره‌ی حداکثری تجربه‌گران به بعد حقیقی عالم برزخ، رعایت احترام و حقوق خانواده، والدین و همسر و همچنین موضوع بسیار مهم حق الناس می‌باشد.

در ادامه به انتقاداتی درباره‌ی این برنامه از زوایای مختلف خواهیم پرداخت در ابتدا به نام برنامه اشاره می‌کنیم که برگرفته از کتاب «life after life» نوشته‌ی «Raymond moody» می‌باشد که انتقادات گروهی از کارشناسان و فعالان رسانه را به همراه داشته است

برنامه‌ای که طی پنج فصل پخش آن از شبکه‌ی چهارم سیما با جلب نظر مخاطبان توانسته جایگاه ویژه‌ای در میان برنامه‌های ماه مبارک رمضان بیابد با توجه به پخش سریال‌های ماورائی از شبکه‌های مختلف سیما طی سال‌های اخیر در ایام ماه رمضان، می‌توان گفت برنامه‌ی «زندگی پس از زندگی» با انتخاب و پرداخت مناسب به موضوع زندگی پس از مرگ و سال‌ها پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، اتفاق قابل تحسینی را رقم زده که ارائه‌ی نکاتی از آن خالی از لطف نیست

برنامه از شبکه‌ای پخش می‌شود که با توجه به رسالت خود در فضای اندیشه‌ای و معرفتی، دارای مخاطبین خاص خود می‌باشد و معمولاً مورد اقبال عموم مخاطبین قرار نمی‌گیرد اما مورد استقبال قرار گرفتن برنامه از این شبکه نشان دهنده‌ی نکاتی است که به اختصار به آن اشاره می‌کنیم

نکته‌ی اول اینکه نگاه مخاطب رسانه‌ی ملی نسبت به برنامه‌ها بسیار ریزبین و نکته‌سنج می‌باشد و طبق محتوای برنامه و علایق و سلیق خود، به گزینش برنامه دست می‌زند نه صرفاً طبق شبکه‌ی سازنده یا حتی حضور مجری و چهره‌های شناخته شده

نکته دوم، استقبال از این برنامه نشان دهنده‌ی این نکته است که مخاطب

تجربه‌گران از تجربه‌ی مرگ و قدرت انتخاب میان مرگ و حیات در اظهاراتشان اشاره می‌کنند، این گروه از کارشناسان به این نکته اشاره دارند که طبق نص صریح قرآن بازگشتی از مرگ وجود ندارد و شخصی نمی‌تواند در این زمینه مخیر باشد. در نتیجه از نظر ایشان تمام مشاهدات تجربه‌گران را می‌توان به رویایی صادقانه تشبیه کرد و نه تجربه‌ی مرگ

فارغ از تمامی نظرات، «دکتر عباس موزون» که طراح، تهیه‌کننده، کارگردان و مجری برنامه می‌باشند ید طولایی در زمینه‌ی مطالعه و پژوهش دارند به گونه‌ای که به گفته‌ی ایشان برای ساخت این برنامه ده‌ها سال پژوهش و مطالعه و مصاحبه‌های گوناگونی با کارشناسان، اساتید، پزشکان و تجربه‌گرانی در کشورهای مختلف دنیا به عمل آمده است در نتیجه‌ی این مبحث مفصل مطالعاتی ایشان، صراحت، صداقت و راستی آزمایی تجربه‌گران، به هر روشی سعی در شفاف سازی موضوع برای طیف گسترده‌ی مخاطبین با هر میزان عقیده و باوری، نکته‌ی بسیار مهم و قابل اهمیت این برنامه است از این حیث می‌توان به تجربه‌گر»
ایمان
عبدالمالکی»
اشاره کرد
که در مدت
تجربه
احاطه‌ای
کامل بر
اعمال و افکار



دومین نقد از جانب بخشی از جامعه‌ی پزشکی و کادر درمان به این برنامه وارد است: این است که با توجه به اظهارات غالب تجربه‌گران به هنگام احتضار در مورد مشاهده‌ی تونل نورانی، اذعان دارد به هنگام کاهش اکسیژن در خون و به دنبال کاهش سطح هوشیاری بیمار، مشاهداتی از این دست و مرور لحظات زندگی یک واکنش کاملاً فیزیولوژیک است که ارتباطی با عالم ماوراء ندارد که این نقد را قطعاً نمی‌توان به

عموم تجربه‌گران تعمیم داد
سومین نقدی که اتفاقاً از جانب گروهی از کارشناسان مذهبی به برنامه می‌شود در مورد ایده‌ی دینی‌سازی غربی این برنامه است چرا که این دسته از کارشناسان اذعان دارند در سال‌های اخیر دنیای غرب با ساخت برنامه‌ها و چاپ کتاب‌هایی در این زمینه سعی در دیندار نمودن جامعه‌ی رو به انحطاط آن جغرافیا دارند که این الگوگیری در جامعه‌ی اسلامی ما پذیرفته نیست چرا که کتاب آسمانی، پیامبر اسلام (صل الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) ما به روشی کاملاً روشن و بدون کمترین شبهه از جهان آخرت و معاد ما را مطلع نموده‌اند و همچنین با توجه به اینکه گروهی از

دستورات و اصول اساسی دین مبین اسلام به درستی رقم خورده؟

از جمله ایرادات وارده به این برنامه که اخیراً و در فصل پنجم توسط شورای سلامت سیما در قالب هشدار بیان شده درباره‌ی آن دسته از تجربه‌گرانی است که روایت آنان اغلب در حالت کما (معمولاً با سطح هوشیاری کمتر از حد معمول) بوده و بازگشت اتفاق افتاده و نه مرگ مغزی که مرگ قطعی است و همین موضوع باعث ایجاد شک و تردید در تصمیم به اهدای عضو خانواده‌ی افراد مرگ مغزی شده است

این برنامه در کنار تمام نقاط روشنی که به قدر مجال به آن‌ها اشاره شد، تابو شکنی‌هایی (از قبیل عنوان کردن موضوع فحاشی به والدین، مورد ضرب و شتم قراردادن آن‌ها، ربا، خیانت درامانت و...) در فضای رسانه‌ی ملی به همراه داشته است. در فصل پنجم این برنامه تأکید بیشتری بر حق الناس شده است که البته موضوعی بسیار مهم و غیرقابل اغماض می‌باشد اما در مقابل تأکیدی جز در مواردی اندک به حق عبودیت درباره‌ی فرایضی چون نماز و روزه نشده است که این موضوع جای بحث دارد در پایان با تشکر ویژه از زحمات سازندگان و عوامل محترم برنامه «زندگی پس از زندگی» امید است در فصول بعدی با در نظر گرفتن نکات و انتقادات مطرح شده به اصلاح و احیای هرچه بیشتر برنامه بپردازند

افراد خانواده و اطرافیان و حتی اشاره‌ی دقیق به یکی از اعضای کادر درمانی در مورد استعمال دخانیات در فضایی دور از دسترس داشته است

در طول فصل‌های برنامه و در میان روایت تجربه‌گران به نکاتی ویژه که گاه طبق نص صریح قرآن کریم می‌باشد، اشاره شده است از جمله: ارزش موهبت حیات و عدم ناسپاسی نعمات متعدد حضرت حق به عنوان نمونه تجربه‌گر فصل چهارم آقایان: محمدعلی درودی و حامد البرزبان، عشق به خانواده و همسر در تجربه‌ی آقای مسعود نبی‌چنانی و در مقابل مجازات ظلم به همسر در تجربه‌ی آقای بهروز عظیمی‌نژاد، نتیجه‌ی رفتار نامناسب و خشونت با خانواده و فرزندان در تجربه‌ی آقای علیرضا غلامی، توجه ویژه‌ی دین مبین اسلام به رفتار مناسب با حیوانات و عدم حیوان آزاری در تجربه‌ی آقای محسن حسنونند، موضوع مهم سقط جنین در تجربه‌ی خانم‌ها: ایرانمنش و فیضیان، اهمیت واجباتی چون نمازهای پنجگانه در تجربه‌ی آقای دانیال قاسمعلی، احترام و گرمی‌داشتن جایگاه پدر و مادر در تجربه‌ی گران متعددی از جمله آقایان: مهدی حسن نژاد، حمید علی‌زاده، بهنام راعی، موضوع گناه کبیره‌ی ربا و ناامیدی و ناباوری در تجربه‌ی خانم سمانه مختارزاده، مشاهده‌ی رحمت بی انتهای خداوند و عنایت اهل بیت عصمت و طهارت در تجربه‌ی آقای میثم عباسیان و اما روایاتی از تجربه‌گران درباره‌ی عقوبت خودکشی، حق الناس، حیات طیبیه‌ی شهدا، رد موضوع تناسخ ارواح و جهان موازی به شیوه‌ی مسموم رسانه‌های جهان غرب و ... با وام گرفتن و عنایت به نظرات اساتید حوزه و دانشگاه از نقاط مثبت این برنامه است اما آیا نحوه‌ی پرداخت به موضوعات بر طبق

نبض صداوسیما
در دستان شماست..

@IRIBnabz



شناختنامه

سرمدیر:

فاطمه تقوی

مدیرمسئول:

رضا ندری

هیات تحریریه: نیایش نعمتی / محمدحسین ابراهیمی

محمد مهدی قاسمی / فاطمه علینقیان / فاطمه اکبری اصل

محمد جواد نصیری / لعبا حیدری / ابوالفضل فرخی / الهه عابدزاده

ویراستار:

زینب امیری

صفحه آرایی:

حسین سعادت‌تی مراد

گرافیک:

مهدیار ولی‌زاده